



[www.khaab.info](http://www.khaab.info)

[telegram.me/khaaberoshan](https://telegram.me/khaaberoshan)

## پیر پارسی یا گوروی ہندی یا قطب دو عالم؟

ع. دھقانی

آدرس سایت:

[www.khaab.info](http://www.khaab.info)

[telegram.me/khaaberoshan](https://telegram.me/khaaberoshan)

کانال تلگرام:



[www.khaab.info](http://www.khaab.info)

[telegram.me/khaaberoshan](https://t.me/khaaberoshan)





## آیا حافظ و عطار دروغگو هستند؟ پیر حافظ کیست؟ پیر عطار چه نام دارد؟

یکی از موضوعاتی که حافظ و عطار در اشعار خود فراوان به آن پرداخته اند، موضوع استاد است که در نوشته های آنها با عنوان پیر یا راهبر یاد شده.

معنی پیر چیست؟ پیر اگرچه در برابر جوان و به معنی سالخورده به کار می رود اما در ادبیات رازوری به کسی که نوآموز را راهنمایی می کند گفته می شود. به دیگر سخن، در معنی عرفانی پیر، تجربه بیشتر از سن مطرح است.

عطار در مصیبت نامه داستان کوتاهی از آدم بسیار متشخص و والامقام تعریف می کند که اهل مسجد و نماز و روزه بوده است و یک روز ناگهان دیوانه و مجنون می شود. طوری که دیگر نه از نماز و مسجد خبری بود و نه از تکلیف روزانه. (منظور از دیوانگی در ادبیات عرفانی، ترک دین رسمی و پشت پا زدن به آداب و عبادتهایی ست که ماشین وار تکرار می شوند و تنها کاربردشان آزردن خود و دیگران است). این شوریدگی و آوارگی و "دیوانگی" او پنج سال به طول می انجامد. یک روز جلوی مسجد با جوان مومنی برخورد می کند که می خواسته به قصد نماز وارد شود:

دید یک روزی جوانی تازه را :::: خویشتن آراسته آوازه را

پای در مسجد نهاد آن سرفراز ::::: کان جوان را بود هنگام نماز

عطار از اینجای داستان، مرد دیوانه را با عنوان "پیر" خطاب می کند:

پیر دیوانه بدو گفت ای پسر ::::: در رو و در رو هلا زین زودتر

پیر سرگشته از جوان می خواهد که تا می تواند از مسجد و نماز و تکلیف دین فرار کند و هر چه می تواند از آن مکان فاصله بگیرد و توضیح می دهد که خودش نیز اهل نماز و پرستش و نیایش بوده تا اینکه پیری شوریده، او را از این کار برحذر داشته است.



[www.khaab.info](http://www.khaab.info)

[telegram.me/khaaberoshan](https://telegram.me/khaaberoshan)

واژه پیر همواره در نوشته های عطار تکرار شده و او از سالکانی که می خواهند گام در راه جستجوی حقیقت بگذارند می خواهد که حتما راهنما و راهبر و پیر داشته باشند. در مثنوی هفت هزار بیت مصیبت نامه او از سالکی صحبت می کند که در جستجوی خود از دیدار با جبرئیل و سایر فرشتگان راضی نمی شود و با راهنمایی پیر گام به گام جلو می رود. او درباره پیر می نویسد:

پیر ره کبریت احمر آمدست :::: سینه ی او بحر اخضر آمدست

...

راه دور است و پر آفت ای پسر :::: راه رو را می ب باید راهبر

گر تو بی رهبر فرود آیی براه ::::: گر همه شیری فرو افتی به چاه

یا در جای دیگر شرح می دهد که پیر، همان زمان که سالک در جستجو دارد از راه خواهد رسید:

گر ترا دردی ست، پیر آید پدید :::: قفل دردت را پدید آید کلید

از مجموع نوشته های عطار چنین برمی آید که وی باور داشته که برای روشن شدن راه تاریک جستجوی حقیقت، به پیر یا راهبر یا راهنما نیاز است.

این باور، در اشعار حافظ هم نمایان می شود و او حتی زیباتر از عطار بر لزوم داشتن پیر و راهنما تاکید می کند:

حافظ می نویسد:

اگر رهرو هستی، به امر پیر مغان روی سجاده ات شراب بریز (سجده و عبادت را کنار بگذار) چون او از راه و رسم جستجوی حقیقت با اطلاع است:

به می سجاده رنگین کن گرت پیر مغان گوید

که سالک بی خبر نبود ز راه و رسم منزلها



[www.khaab.info](http://www.khaab.info)

[telegram.me/khaaberoshan](https://telegram.me/khaaberoshan)

یا: بدون خضر قصد عبور از این مراحل نکن چون ممکن است در تاریکی گم شوی:

قطع این مرحله بی همراهی خضر مکن

ظلمات است بترس از خطر گمراهی

یا: تو را پند می دهم، یاد بگیر و به آن عمل کن که این پند را راهنمای راهم به من داد:

نصیحتی کنمت یاد گیر و در عمل آر

که این حدیث ز پیر طریقتم یادست

یا: چرا نباید پیر مغان راهنمای من باشد؟ در اندیشه هرکس می توان اسرار خدا را یافت:

گر پیر مغان مرشد من شد چه تفاوت

در هیچ سری نیست که سری ز خدا نیست

یا آنجا که خطاب به شیوخ شریعت و طریقت می گوید: از من آزرده نشو اگر شاگرد پیر مغان

شده ام؛ چرا که کار تو وعده دادن و کار او عمل کردن است.

مرید پیر مغانم ز من مرنج ای شیخ

چرا که وعده تو کردی و او به جا آورد

یا: کسی که مرا از رفتن به خرابات منع می کند، اگر جرات دارد در حضور پیر من این حرف را

بزند:

آن کس که منع ما ز خرابات می کند

گو در حضور پیر من این ماجرا بگو

اینها فقط فرازهای کوتاه از اشعار این دو شاعر بزرگ درباره پیر و استاد و راهنما هستند

ممکن است بسیاری از کارشناسان اشعار این بزرگان را از وجه زیباشناسانه نگاه کنند و برایش

ارزشی بیش از نوشته های رمانتیک و عاشقانه و ادبی قایل نباشند ولی باید دانست که نوشته های

نویسنده یا شاعر، منعکس کننده اندیشه هایی ست که او در سر داشته و این اندیشه ها به شدت





[www.khaab.info](http://www.khaab.info)

[telegram.me/khaaberoshan](https://telegram.me/khaaberoshan)

تحت تاثیر محیط و مردم اطراف اوست. از لابلای این شعرهای عاشقانه و عارفانه می توان فهمید که مردم در زمان آن شاعر چگونه فکر می کرده اند، چطور با مشکلات مختلف روبرو می شده اند با چه مسائلی درگیر بوده اند و چه راه حل هایی می اندیشیده اند. از این نظر، اشعار فارسی گنجی کشف نشده و بی نظیر از طرز تفکر مردم ایران در سده های گذشته است و البته پرداختن به اندیشه های کهن، بازگشت به گذشته نیست بلکه پیدا کردن بنیان اندیشه هایی است که امروز در سر من و شما می گذرد.

**پیامد نخست: حافظ و عطار به جستجوگران حقیقت توصیه کرده اند که بدون پیر جلو نروند.**

نکته دیگر که شایسته است بدان پرداخته شود، پیر و استاد و راهنمای این دو بزرگوار است. این دو که این همه به داشتن پیر سفارش کرده اند، استاد خودشان که بوده؟ پیر حافظ که بوده؟ پیر عطار کیست؟

صرفنظر از افسانه هایی که درباره زندگی حافظ سر زبانهاست، هیچ سندی مبنی بر اینکه وی در طول زندگی خود خرقة ای از شیوخ طریقت دریافت کرده باشد یا عرفان و رازوری را در محضر استادی یاد گرفته باشد در دست نیست. در حالی که دیوان شعر وی برای کسانی که دنبال معنویت بدون تعصب و ریا بوده اند و نیز برای اساتید عرفان در ششصد سال گذشته همواره مورد استناد قرار گرفته و منبعی غنی از اشاره های رازورانه است.

همینطور است درباره عطار. وی نیز نیم بیشتر زندگی خود را به عطاری و معالجه مردم پرداخت و هیچ سند موثقی که نشان دهد او استادی داشته یا شیخی از شیوخ طریقت را تبعیت می کرده در دست نداریم. برعکس، بسیاری از اساتید عرفان و معنویت برای تایید ادعاهای خود به نوشته های وی استناد کرده و او را مراد خود خوانده اند.

البته اینجا منظور ما از استاد یا پیر یا راهنما، معلم معمولی نیست. منظور از استاد یا پیر همان است که در سلسله های صوفیه به آن قطب و در فرقه های هندی، به آن گورو می گویند.



[www.khaab.info](http://www.khaab.info)

[telegram.me/khaaberoshan](https://telegram.me/khaaberoshan)

موضوع آنجا اهمیت پیدا می کند که حافظ و عطار را همراه با مولوی و سنایی، چهار پیر معرفت و چهار ستون اصلی عرفان خوانده اند! (رساله چیت سازان و فتوت نامه آهنگران). به دیگر سخن، این دو نفر که هیچ استاد و هیچ مریدی نداشته اند، بیشترین تاثیر را بر عارفان ایرانی شش قرن گذشته داشته اند. بنابراین:

**پیامد دوم: به گواهی اسناد تاریخی، حافظ و عطار پیر و مراد و راهبر و استاد نداشته اند.**

چطور می شود این دو پیامد را کنار هم گذاشت؟ این دو بزرگوار در همه نوشته های خود هر جا که سخن از پیر و راهبر شده بر اهمیت آن تاکید کرده و از آن طرف خودشان بی پیر بوده اند. آیا حافظ و عطار دروغگو هستند؟ مگر می شود کسی خودش راهبر نداشته باشد و در ضمن از دیگران بخواهد که دنبال راهبر باشند؟ بعید است. با نگاهی به زندگی آنها و نیز نوشته هایی که از هر دو بجا مانده، بسیار بعید به نظر می رسد که خواسته باشند تقلب کنند و چیزی را که خود تجربه نکرده اند به خورد من و شما دهند.

به نظر می رسد آنچه که حافظ و عطار و بسیاری دیگر از رازوران ایرانی درباره اش قلمفرسایی کرده اند، همان پیر درون یا استاد و راهنمای درون است.

یکی از ناب ترین اشاره ها به پیر درون را در این غزل عطار به ویژه ابیات آخر به روشنی می توان دید:

بار دگر پیر ما مفلس و قلاش شد :::: در بن دیر مغان ره زن او باش شد  
میکنده فقر یافت خرقة دعوی بسوخت :::: در ره ایمان به کفر در دو جهان فاش شد  
ز آتش دل پاک سوخت مدعیان را به دم :::: دردی اندوه خورد عاشق و قلاش شد  
پاک بری چست بود در ندب لامکان :::: کم زن و استاد گشت حیلہ گر و طاش شد  
لاشه دل را ز عشق بار گران بر نهاد :::: فانی و لاشیء گشت یار هویداش شد  
راست که بنمود روی آن مه خورشید چهر :::: عقل چو طاوس گشت وهم چو خفاش شد  
وهم ز تدبیر او آزر بت ساز گشت :::: عقل ز تشویر او مانی نقاش شد  
چون دل عطار را بحر گهر بخش دید :::: در سخن آمد به حرف ابر گهرپاش شد



[www.khaab.info](http://www.khaab.info)

[telegram.me/khaaberoshan](https://telegram.me/khaaberoshan)

اشاره بسیار روشن دیگر به پیر درون را در غزل فرخ از حافظ که با این بیت شروع می شود می توان دید:

دل من در هوای روی فرخ ::::: شده آشفته همچون موی فرخ

این غزل جنجالی که بسیاری به اشتباه گمان کرده اند در وصف افسر سیاهپوستی به نام فرخ است و در جمع های روشنفکری آن را سندی بر همجنس باز بودن حافظ تلقی می کنند، در واقع برای فرخ (ماه یا روشنائی شب سیاه یا راهبر تاریکی) سروده شده. در این باره جداگانه و مفصل خواهم نوشت.

باری؛ با توضیحاتی که داده شد، پیامد سوم را می توان چنین نوشت:

**پیامد سوم: حافظ و عطار دارای پیر درون بوده و می توانسته اند از راهنمایی های او استفاده کنند.**

خوب. این پیر درون چیست یا کیست؟ آیا همه چیزدان است؟ آیا "همه آگاه" است؟ چطور می شود از راهنمایی اش بهره برد؟ تحت چه شرایطی می توان با او وارد گفتگو یا تعامل شد؟ خانه اش کجاست؟ مذهب و مسلکش چیست؟ یکی یکی به این پرسش ها خواهیم پرداخت. اما پیش از همه به چند نکته مهم که از این سه پیامد ناشی می شوند دقت کنید:

نخست این پرسش که آیا می توان بدون استاد واقعی، فقط با اتکا به پیر درون تجربیات رازورانه داشت؟ جواب قطعاً مثبت است و حافظ و عطار سند اثبات این مدعا هستند. بله. می توان بدون استاد و بدون واسطه در راه شناخت حقیقت گام برداشت و جلو رفت چنانکه آن دو توانستند. این دو ستون نیرومند رازوری ایرانی، به جای اینکه در راه دیگران قدم بگذارند، با گامهای استوار اندیشه و الهام و خرد راه خود را رفتند و افق های تازه ای به روی رازوران پس از خود گشودند.

حتی می توان از حافظ و عطار هم جلوتر رفت. چون رازوران امروزی در زمینه های علمی، فلسفی، عرفانی به اطلاعاتی دسترسی دارند که حافظ و عطار به خواب هم نمی دیدند.





[www.khaab.info](http://www.khaab.info)

[telegram.me/khaaberoshan](https://telegram.me/khaaberoshan)

هنوز خیلی از افراد نگاهی سنتی به این مسائل دارند و معتقدند که برای تجربه ی معنوی به استاد زنده با دم مسیحایی و متن مقدس نیاز است. از ایشان باید پرسید: چگونه است که عطار و حافظ بدون استاد به مراحل بالای عرفان رسیدند طوری که هرکس ادعای استادی می کند خود را شاگرد آنها می داند؟ چگونه است که شهاب سهروردی بدون اتصال به هیچ سلسله و خرقة ای توانست به تجربیات عرفانی برسد؟ بسیاری از رازوران نامدار و گمنام به یاری پیر درون مراحل عرفانی را پیمودند. حافظ و عطار را از آن جهت انتخاب کردم که تاثیر آنها بر رازوری ایرانی غیر قابل کتمان است.

نکته دیگر که از این سه پیامد می توان گرفت، بطلان دم مسیحایی یا نگاه استاد است که هم سلسله های صوفی گری و هم پیروان گوروهای هندی و وطنی بر آن پافشاری می کنند. عطار و حافظ بدون دم مسیحایی استاد توانستند کل جریان عرفانی را در زمان خود و پس از خود تا دوران معاصر تحت تاثیر قرار دهند.

امروز می دانیم که اشراق و روشنیدگی با نگاه آقا یا خانم استاد یا شیخ یا گورو یا قطب یا ولی به دست نمی آید و برای رسیدن به تجربه های عرفانی باید زمان گذاشت، حوصله به خرج داد، مطالعه و مکاشفه و مراقبه کرد چنانکه آن دو بزرگوار عمری بر سر آن گذاشتند و خطر رودررویی با صاحبان شریعت و طریقت را به جان خریدند.

سومین نکته بطلان ذکر و ماترا است. زندگی رازورانه ی حافظ و عطار نشان می دهد که بدون دریافت ذکر از استاد یا ماترا از گورو هم می شود و می توان در راه پر ماجرا و هیجان انگیز شناخت رازورانه ی خود و جهان گام زد.

بنابراین دوست من! اگر می خواهی در راه شناخت خود گام برداری یا شب به شب در لذت نرگس جادوی فرخ با شرابِ ارغوانیِ هیجان از خود بیخود شوی، نه نیازی به تشریف داری نه به قطب و ولی، نه ذکر و ماترای شیخ. اینها همه مال کسی ست که می خواهد یک شبه ره صد ساله



[www.khaab.info](http://www.khaab.info)

[telegram.me/khaaberoshan](https://telegram.me/khaaberoshan)

برود و در نهایت یا معتاد می شود، یا متعصب مذهبی یا سرخورده و یا موجبات آزار خود و دیگران را فراهم می سازد.

اما پیر درون کیست؟

نخست باید دانست که پیر درون یا فرخ یا سیمرغ یا دوست یا یار یا پری، لزوما پیرمردی نورانی و ریشو با لباس سبز نیست. وقتی که از پیر درون صحبت می کنیم، اشاره ما به نیرویی درونی است که به نظر می رسد همواره انسان را زیر نظر دارد. بنابراین اینطور نیست که پیر درون را بتوان در رویداد بیداری ملاقات کرد و تمام داستان هایی که از دیدار با خضر یا الیاس یا اوتاد و افراد و اخیار و ابدال و ابرار ساخته شده، یا منظور گوینده اش رساندن پیامی بوده و یا می خواسته از ناآگاهی مردم زمان خود سوءاستفاده کند. پیر درون در رویداد رویا و نیز در محدوده رخا ظاهر می شود. و بت عیاری ست که هر لحظه به رنگی در می آید. گاه به صورت زنی زیبا و خندان گاه به شکل مردی استوار و قوی، گاه در هیئت حیوانی، گاه در لباس باد و صدای توفان و گاه به صورتی بی معنی اما کرانمند.

دوم اینکه پیر درون قدرت نامحدود ندارد و نمی تواند یکدم شما را به عرش اعلا برساند که اگر اینگونه می بود، عطار از هفت مرحله ی سلوک صحبت نمی کرد و حافظ کوشش نمی کرد که طرحی نو دراندازد.

این نیروی درونی همراه رازور رشد می کند و به موازات تکامل اندیشه او، پخته تر و استوارتر می شود. در ابتدا مثل کودکی بازیگوش ممکن است رازور را به هر سو بکشاند راه را چاه بنمایاند و چاه را چون راه نشان دهد. بنابراین وقتی از پیر درون صحبت می کنیم، در واقع به هسته یا پتانسیلی اشاره می کنیم که در هریک از ما نهفته و با نیروی خلاقیت و آفرینشگری بیدار می شود و چهره باز می کند. رازور و پیر درونش، مثل درخت و هسته هستند. هسته در خود



[www.khaab.info](http://www.khaab.info)

[telegram.me/khaaberoshan](https://telegram.me/khaaberoshan)

درخت را دارد و از او و با اوست که درخت سر برمی کشد. از طرفی درخت هسته را می آفریند. آن را در خود دارد و هسته در او رشد می کند.

سوم اینکه مهربان است. مهربانی برترین ویژگی پیر درون است. وقتی که رازور در پیچ و خم زندگی روزمره به او فکر می کند، گرم می شود، گرمی می دهد و نیرویی از دلتنگی پر شر و شور بر جانش می ریزد. منوچهر جمالی در بازخوانی داستان لُنک آبکش ویژگی مهربانی پیر درون را که به سرشاری و خودافشانی و جوانمردی می انجامد به زیبایی نشان می دهد.

چهارم: حمایت کننده است: منظور از حمایت کنندگی در زندگی روزمره این است که این نیروی درونی با توانایی تجزیه و تحلیل داده های اطلاعاتی در هر لحظه می تواند به بهترین وجه نشان دهد که اقدام بعدی چه خواهد بود. هر چقدر رازور هوشیارتر و خودآگاه تر باشد؛ احتمال اینکه این داده ها بهتر مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند هست. اما ویژگی حمایت گری پیر درون بیش از هر چیز در محدوده رخا جلوه گر می شود. در خواب روشن، پیر درون همواره با مهربانی و حمایتگری خود، از رویابین محافظت می کند و او را در پیچ و خم جهان های پر رمز و راز به جلو می برد.

بنابراین وقتی از پیر درون حرف می زنیم، منظور شعار یا شعر اخلاقی یا اشاره به زیباییهای اندیشه ایرانی در اشعار حافظ و عطار نیست بلکه منظور نیرویی واقعی با چهار ویژگی بالاست که در رویا یا در رخا می توان با آن دیدار کرد اما نه در بیداری.

اما رازور کیست و رازوری چیست؟ تحت چه شرایطی می توان از الگوی حافظ و عطار پیروی کرد و در چه چهارچوبی باید جلو رفت؟ چگونه می توان پیر درون را دریافت؟



[www.khaab.info](http://www.khaab.info)

[telegram.me/khaaberoshan](https://t.me/khaaberoshan)

منابع:

دکتر عبدالحسین زرین کوب، صدای بال سیمرغ  
دکتر بهرام طوسی، عرفان و جلوه های هفت شهر عشق در شعر عطار  
پیدایش جهان دوستی، منوچهر جمالی  
عطار، مصیبت نامه  
عطار، منطق الطیر  
غزلیات حافظ

کانال تلگرام:

<https://t.me/khaaberoshan>

آدرس سایت:

[www.khaab.info](http://www.khaab.info)